

درک اکونومیستی یا سیاسی جهان‌خواری؟

رفیق استفن انگل در تدارک کنگره حزب ام.ال.پ.د. مشخصات زیر را در به وجود آمدن امپریالیستهای جدید بر اساس بررسی در حزب ام.ال.پ.د طی مصاحبه ای به میان کشیده است:

۱- "تبدیل کشورهای سابق نواستعماری وابسته به کشورهای جدید امپریالیستی... در چارچوب سازماندهی تولید بین المللی. بدون چنین ارزیابی نمیتوان مراکز متعدد جنگ مانند عراق، سوریه، بحران زیست محیطی در حال رشد و یا بروز بحران اقتصادی و مالی جهان از ۲۰۰۸-۲۰۱۴ را توضیح داد."

۲- "کشورهای جدید امپریالیستی در اثر تغییر سیاستهای سرمایه مالی بین المللی در سرمایه گذاری خود در هزاره جدید با سرعت جدید با صدور سرمایه های عظیم به طور عمده به سوی کشورهای پرجمعیت نواستعماری وابسته با شتاب بسیار، خصوصی سازی نهادهای دولتی و مراکز کسب و کار و تبدیل شتابان کشاورزی دهقانی به تولید صنعتی، انحصارات خصوصی و ملی از درون بورژوازی بزرگ ملی پدید آمده است با انحصار و توسعه ساختارهای انحصاری دولتی، تبدیل و تحول به کشورهای جدید امپریالیستی آغاز می شود."

۳- "این عمدتاً به کشورهای + بریکس و میست+ اطلاق می شود و در عین حال عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی به خصوص از میان کشورهای + بریکس و میست + برخی انحصارات بزرگ حتی به درجه ی تنها حاکم سرمایه مالی بین المللی ارتقاء یافته اند. تعداد انحصارات غول پیکر از میان این کشورها در دایره ۵۰۰ انحصار قدرتمند در جهان ۴ برابر شده است. سرازیر کردن مقدار عظیم سرمایه به منظور خروج از بحران، حل مشکل مزمن انباشت بازار سرمایه مواجه ساخته است."

۴- "سهم کشورهای بریکس و میست در ایجاد ارزش صنعتی در سراسر جهان ۲ برابر از ۱۷٪ در سال ۲۰۰۰ به ۹،۴۳٪ در سال ۲۰۱۴ رسید. اجلاس ج ۲۰ در ۱۵ و ۱۶ نوامبر ۲۰۰۸ پس از آغاز بحران اقتصادی و مالی جهان باید به حساب می آورد. همراه با قدرتهای امپریالیستی قدیمی بزرگترین دولتها و حکومت از چین، هند برزیل، ترکیه، عربستان سعودی، مکزیک، کره جنوبی، اندونزی، آرژانتین و آفریقای جنوبی دارای یک کرسی اجلاس بود. آنها به دایره نماینده گان سرمایه بین المللی انحصاری حاکم و قدرتهای امپریالیستی ارتقاء یافتند."

۵- "رد انتقادهای دیگران با اینکه "هیچگونه انحصار مستقل" ندارد با به میان کشیدن د.ا.ایکس آلمان که ۵۶٪ اش با سرمایه خارجی است؛ یا "کشورهائی مانند قطر و عربستان سعودی یک پایگاه تولیدی پیش رفته از خوددارند". سرمایه انحصاری اینان برای کسب سود نه به تولید ملی بلکه مانند قطر با داشتن ۱۷٪ سهم در سهامی بدن شک صاحب سرمایه انحصاری است. ساختار فئودالی عربستان سعودی مثل سلطنت تزار روسیه امپریالیستی بودن برای خصوصیت امپریالیستی شدن اهمیت ندارد."

۶- "کشورهای جدید امپریالیستی تا حدودی به شکل تهاجمی منافع توسعه طلبانه مستقل خویش را دنبال میکنند. آنها نیروی رهبری کننده با حدود ۳،۱ میلیون سرباز ارتش هند در این اثنا دارای توانائی بزرگترین ارتش ناتو ایالات متحده است. ... کشورهای جدید امپریالیستی خواسته های خود را با شوونیسم و ناسیونالیسم توجیه می کنند. کافی نیست که دولتها و حاکمین آنها را مانند ناراندرا در هند، دیلما روسوف در برزیل، جاکوب زوما در آفریقای جنوبی و یا رجب طیب اردوغان در ترکیه را تحت عنوان "عروسک استبدادی ایالات متحده" توصیف نمائیم. اغلب همان نیروهای ما فوق ارتجایی یا فاشیستی دقیقاً همان دولتی را نمایندگی می کنند که کشورهای جدید امپریالیستی نیاز به اجرای آن در حاکمیت داخلی و برون مرزی دارند

"

۷- "تخریب عمدی وحدت بشریت و طبیعت به شدت توسط کشور های جدید امپریالیستی اعمال می شود. تحت لوای ادعای "کشور های در حال توسعه" از ۵،۲۹٪ در سال ۲۰۰۰ به ۳،۴۵٪ در سال ۲۰۱۳ افزایش داده اند."

۸- "کشور های جدید امپریالیستی ترکیه، عربستان سعودی، قطر و ایران جنگ طلبان متجاوز می هستند که در این پروسه با استفاده از مزدوران اسلامی - فاشیستی برای گسترش هژمونی منطقه ای خود در خاورمیانه می کوشند... بنابراین رقابت میان کشور های امپریالیستی خطر عمومی جنگ در تعداد بیشتری از نقاط مهم را تشدید می کند." این نکات مهم ارائه شده را از دو جنبه بررسی می کنیم: اول اینکه از نظر تئوریک ماهیت و خصوصیات امپریالیستی کدامند و دوم این که ادعاهای رفیق استنفن در چه سطحی قابل استناد می باشند. به نظرات لنین توجه کنیم:

۱- "رشد عظیم صنایع و پروسه فوق العاده سریع تمرکز تولید و بنگاه های بزرگی که دائما در حال توسعه است یکی از شاخص ترین خصوصیات سرمایه داری است کاملترین و دقیق ترین اطلاعات را درباره این پروسه آمار کنونی صنایع به دست می دهد. سرمایه مالی و بانکها چنانچه خواهیم دید بیش از پیش این مشقت کوچکی از بنگاه های کلان جنبه مطلق می دهند و آن هم به تمام معنای این کلمه یعنی میلیونها صاحبکار کوچک و متوسط و حتا قسمتی از کارفرمایان بزرگ عملا تحت اسارت کامل چند صد فینانسیست میلیونر قرار می گیرند. تقریبا نیمی از کل تولید تمام بنگاه های کشور در دست یک صدم عده کل بنگاهها است!... تبدیل رقابت به انحصار یکی از مهمترین - و یا خود مهم ترین - پدیده ایست که در اقتصادیات سرمایه داری نوین مشاهده می شود. ترکیب در یک بنگاه جمع شدن رشته های مختلفی از صنایع عمل آوردن مواد خام یا نقش کمکی بازی کردن با هم." {گذار به کارتلها و سندیکاها در رقابت آزاد انحصاری - ن.}

۲- "موقعیت تسلط آمیز و زورگویی مربوط به آن این است آنچه که برای فاز نوین تکامل سرمایه داری جنبه مشخص دارد تشکیل انحصار های اقتصادی هم توان ناگزیر می بایستی ناشی شود و ناشی نیز شده است."

۳- "تحول سرمایه داری قدیم به سرمایه داری نوین به سیادت سرمایه به طور کلی به سیادت سرمایه داری تبدیل می شود. فصل اساسی و اولیه: تبدیل سرمایه پولی غیر فعال به سرمایه فعال. سرمایه مالی سرمایه ایست که در اختیار بانکها بوده و توسط کارخانه داران به کار می افتد. پیدایش مضمون سرمایه مالی عبارت است از تمرکز تولید، تشکیل انحصار هایی که در نتیجه رشد این تمرکز به وجود می آیند با جوش خوردن بانکها و صنعت... مالکیت خصوصی و تولید کالائی به طور اجتناب ناپذیری به سیادت می رسند."

۴- "امپریالیسم با سیادت سرمایه مالی عبارت است از آن مرحله عالی سرمایه داری که در آن این جدائی دامنه عظیمی به خود می گیرد. تفوق سرمایه مالی بر کلیه اشکال دیگر سرمایه معنایش موقعیت تسلط آمیز تنزیل بگیران و الیگارشلی مالی و به معنای آن است. مع الوصف عده قلیلی از کشور های دارای قدرت مالی از سایر کشورها متمایز می شوند... این پروسه در چه مقیاسی انجام می گیرد می توان از روی پیکره های کشورها متمایز شوند... از روی این پیکره ها دیده می شود که ۴ کشور از ثروتمندترین کشورهای سرمایه داری... از دیگران متمایزند... از مستعمرات، غنی ترین آنها هستند(انگلستان و فرانسه) و از لحاظ سرعت تکامل و میزان بسط و توسعه، انحصار های سرمایه داری در تولید از کشورهای سرمایه داری پیشرو هستند(۸۰٪ سرمایه داری جهانی را در اختیار دارند). بقیه در جهان(روسیه، اتریش، هنگری، ایتالیا، ژاپن، هلند، بلژیک، اسپانیا، سوئیس، دانمارک، سوئد) اند... بانکداری جهانی ۴ ستون سرمایه مالی(انگلستان، آمریکا، فرانسه و آلمان) نقش بدهکار و خراج گذار

را بازی می کنند."

۵- "صدور سرمایه: صدور کالا صفت مشخصه سرمایه داری سابق بود که در آن رقابت آزاد تسلط کامل داشت. صفت مشخصه ی سرمایه داری نوین که سیادت با انحصارات است، صدور سرمایه است .. کشورهای صادر کننده سرمایه، جهان را به معنای حقیقی کلمه تقسیم نموده اند... سرمایه مالی در کلیه مناسبات اقتصادی و کلیه مناسبات بین المللی آنچنان نیروی بزرگ و می توان گفت قاطعی است که حتا قدر است دولتهائی را هم که از کاملترین استقلال سیاسی برخوردارند را تابع خود سازند و واقعا تابع می سازند... ولی در دوران امپریالیسم سرمایه داری به صورت یک سیستم همگانی در می آید و به مثابه جزئی از کل وارد مجموعه ی مناسبات مربوطه به تقسیم جهان مبدل می گردد و به حلقه هائی از زنجیر معاملات سرمایه جهان مبدل می شوند... استدلالهائی "کلی" درباره امپریالیسم که در آن اختلاف اساسی بین صورت بندیهای اقتصادی - اجتماعی فراموش می شود یا تحت الشعاع قرار می گیرد، ناگزیر پوچ ترین مبتذلات و گزافه گوئیهای نظیر مقایسه "روم کبیر" با "بریتانیای کبیر" مبدل می شود. حتا سیاست سرمایه داری استعماری مراحل پیشین سرمایه داری نیز با سیاست استعماری سرمایه مالی ماهیتا تفاوت دارد."

۶- " امپریالیسم به مثابه مرحله خاصی از سرمایه داری:

۱) تمرکز تولید و سرمایه بر مرحله انحصار؛ ۲) درهم آمیزی سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارشلی سرمایه مالی؛ ۳) صدور سرمایه با اهمیت بیشتر از صدور کالا

۴) اتحادیه های انحصاری بین المللی سرمایه دارانی که جهان را تقسیم کرده اند؛ ۵) تقسیم ارضی جهان اطراف بزرگترین دول سرمایه داری به پایان رسیده باشد... امپریالیسم عبارت است از تمایل به زور و ارتجاع. "۷- "طفیلی گری، گنبدگی سرمایه داری: بازی امپریالیسم عبارت است از تجمع عظیم سرمایه پولی در معدودی از کشورها... اینجاست سرچشمه رشد طبقه یا به عبارت صحیح تر قشر تنزیل بگیران یعنی کسانی که از طریق سفته بازی زندگی می کنند و بکلی از شرکت در هرگونه بنگاهی برکنارند و حرفه آنان تن آسائی است صدور سرمایه که یکی از مهمترین ارکان اقتصادی امپریالیسم است... و بر تمام کشوری که با استثمار چند کشور ماوراء اقیانوس و مستعمرات گذران می کند مهر و

نشان طفیلی گری می زند. "۸- سود تنزیل بگیران در بازرگانی ترین کشور جهان ۵ بار بیش از سودی است که از بازرگانی خارجی به دست می آید. چنین است ماهیت امپریالیسم و طفیلی گری امپریالیستی... امپریالیسم که به معنای آن تحصیل سودهای انحصاری هنگفت از طریق مشتی از ثروتمندترین کشورها است برای تطمیع قشرهای فوقانی پرولتاریا امکان اقتصادی به وجود آورد و بدین طریق اپورتونیسیم را می پروراند، شکل معینی به آن می دهد و آن را مستحکم می نماید. فقط آن نیروهائی را که برضد امپریالیسم عموما و برضد اپورتونیسیم خصوصا مبارزه می کند و عدم مشاهده آنها از طرف هوبسن سوسیال لیبرال امری طبیعی است نباید فراموش کرد... از جمله خصوصیات امپریالیسم تقلیل مهاجرت از کشورهای امپریالیستی و افزایش مهاجرت به کشورهای نام برده از کشورهای عقب مانده تر است که سطح دستمزد در آنها پائین تر است. انتقاد از امپریالیسم: خصوصیات سیاسی امپریالیسم عبارت است از بسط ارتجاع در تمام جهات و تشدید ستمگری ملی ناشی از ستمگری "الیگارشلی مالی و نیز برافتادن رقابت آزاد

حال بعد از بیان روشن و مستدل تئوریک لنین از عمل کرد امپریالیسم، به نظرات ارائه شده ناروشن و غلوآمیز رفیق استفن می پردازیم که با بیان برخی تغییرات رشد یابنده سرمایه داری در بریکس به غیر از روسیه، چین در سطح امپریالیستی و تاحدی هندوستان در این راستا کشورهای نام برده هنوز به چنین تکاملی از سرمایه داری نرسیده اند آنها در شرایطی که امپریالیستهای کهن و به خصوص بزرگترین آنها با راه حل گلوبالیزاسیون هر چه بیشتر

انحصارات و سرمایه های مالی و نئولیبرالیسم در جهت کشاندن هر چه بیشتر سرمایه های کشور هائی از قماش عربستان سعودی، قطر، ترکیه و امثالهم بوده و نه امکان دادن به تمرکز تولید، کمک به ایجاد انحصارات، تراستها و سندیکاهاى انحصارى در این گونه کشورها و صدور سرمایه به دیگر کشورها در رشته های مختلف نه آن قدرها رشدیافته اند که با وضعیت کشور های امپریالیستی بتوان مقایسه نمود و وضع آنها به نوعی با رشد سرمایه داری چین همسان فرض شده و وارد نظام امپریالیستی گشته اند، که هم خوانی ندارند. اطلاعات شما در صورتی قابل استناد بودند که فهرستهائی وسیع اعم از انحصارات، شرکتهای امپریالیستی و انحصارات بزرگ مالی شناخته شده و میزان سرمایه های صادر شده در انحصار های کشور های جدید که روندی طولانی است صورت می گیرد در مقایسه با سرمایه های کشور های سرمایه داری از قماش ترکیه، عربستان و قطر ارائه می شد، و چه نقشی سرمایه این کشور هادر غارت و چپاول دیگر کشورهای عقب مانده دارند، ارائه می شد. به علاوه به جز در عرصه اقتصادی سیاست این کشور های "امپریالیستی شده" مثل روسیه و چین در رقابت با امپریالیستهای غرب بیشتر از اقتصادی، در حیطه سیاسی نیز روشن میشود. روسیه و چین در تشکیل دادن "بریکس" برای مقابله با دست اندازی قطب غربی امپریالیستها به جهان، محدود ساختن حیطه نفوذ آنان و مبارزه علیه محاصره اقتصادی - نظامی امپریالیستها بود و نه کشورهای جدید نام برده توسط شما صرفا به خاطر رشد این کشورها به سطح امپریالیستی رسیدن که رقابتی با امپریالیستهای کهن ندارند. در رابطه با وضعیت محیط زیست هم میزان آلوده نمودن هوا با گاز کربنیک در کشورهای جهان سومی کمتر از کشورهای امپریالیستی در تولید کردن است.

مثلا کشوری شبیه ایران بیشتر از هر چیزی به دلیل فقدان توانائی در تولید خود روهای جدید و استفاده از خود روهای فرسوده و وابسته بودن به خرید بنزین به علت تحریم فروش بنزین کمتر آلوده کننده به ایران، نقش قابل ملاحظه ای در آلوده سازی هوای آن است و نه رشد تولید مخرب آن در حد تولید گاز کربنیک به سطح تولید امپریالیست های غربی !! و وابستگی کلیه کشورهای نامبرده شما در مصاحبه به تکنولوژی امپریالیستها و از جمله تکنولوژی کشف و استخراج نفت در دست امپریالیستها اشاره ای نشده است و بازی با قیمت هر بشکه نفت توسط آنان، در زمان بروز بحران بزرگ اقتصادی مالی اخیر، که از سطح بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه به ۲۷ دلار توسط امپریالیستها رسانده شد و این کشورهای جدید "امپریالیستی" نامبرده توسط شما هیچ کاری نتوانستند در مقابل این غارت مواد خام کشورها جهان سومی بکنند. با تحریم ایران در مونتاژ ماشین سازی که قطعاتش از فرانسه وارد نمی شد و یا مواد داروئی از خارج، تولید مونتاژ ماشین خوابید و انحصار بزرگ "شستا"ی دارو سازی، در تولید داروهای لازم مهمی ناتوان شد چونکه صدور مواد داروئی ساخته شده در خارج توسط کشورهای امپریالیستی به ایران صورت نگرفت و مونتاژ خود روهای فرانسوی و داروها متوقف شدند. این به معنای ناتوانی ایران و غیره از تولید انبوه و ارسال به خارج می باشد.

ارتشهای این کشورها از جمله در ترکیه باز هم به علت سیاسی، از زمان ۱۹۵۰ با شرکت در ناتو به خاطر عدم استقلال و قرار داشتن زیر نفوذ امپریالیسم آمریکا بود که به وجود آمد و به عنوان گوشت دم توپ امپریالیستها برای جنگیدن از جمله با کره شمالی روانه آنجا شدند و برای محاصره و مقابله با اتحاد جماهیر شوروی به پایگاه اتمی نظامی امپریالیستها تبدیل شد و حتا بعدا بمبهای اتمی توسط امپریالیسم آمریکا در ترکیه نصب شد. امروز نیز به راه انداختن جنگ در سوریه توسط امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا در صدد ادامه "بهار عرب" تظاهرات تعدادی از احزاب مخالف رژیم اسد را که به مبارزه مسلحانه کشانده شدند کمکهای تسلیحاتی به این احزاب توسط کشورهای اروپا نیز دادند. امپریالیستها آتش افروزی جدیدی را برقرار ساختند و در حالی که بزرگترین امپریالیسم آمریکا بیش از ۷۵۰ پایگاه نظامی در جهان داشته و آتش افروزی اش را هم به طور مستقیم و مشترک با امپریالیستهای اروپائی هم با فروش تسلیحات، بر هیچ کس پوشیده نیست در خاورمیانه سازمان دادند. وارد کارزار

شدن در جنگ در سوریه توسط عربستان و قطر برای گرم کردن جنگ افروزی عوامل امپریالیستها و در عین حال فراهم شدن توجیه آنها برای خرید سلاحهای امپریالیستها می باشد. عجا که این کشورهای جدید امپریالیستی شده با ارزیابی ام.ال.پ.د. آتش افروزان منطقه هستند و نه سیاست خود امپریالیستها در قبضه کردن خاورمیانه! تضاد عربستان سعودی با رژیم اسلامی ایران در مانعیت از نفوذ شیعیان در کل شبه جزیره عربستان است که از قدیم موجود بود و از ترس قادر نبودن در مقابله با رژیم ایران در توسعه طلبی حاکمان ایران، عربستان سعودی خود را به انبار تسلیحات در نجات بحران امپریالیستها تبدیل کرده است. این به معنای رشد امپریالیستی ترکیه و عربستان سعودی و غیره کشورهای مستقلی نبوده و طبق خواست امپریالیسم آمریکا عمل کرده و شرکت نفت آرامکو هم وابسته به آمریکا می باشد. در مورد شرکت تعدادی از کشورهای جهان سومی بعد از بروز بحران اقتصادی در شرایط هرسانی G۲۰ مالی امپریالیستها نه به خاطر رشد و نقش امپریالیستی شان، به کنفرانس امپریالیستهای غرب بود، دعوت شدند نه به خاطر تولید عظیم این کشورهای اقتصادی - مالی، بلکه به منظور سیاسی جلوگیری از هرگونه جدا شدن این کشورها از حیطة نفوذ امپریالیستها و تلاش برای حفظ آنان کما فی السابق و نه تجمع دول امپریالیستی. در این مورد نباید قصد سیاسی امپریالیستهای در بحران را کنار گذاشت و خیال واهی نسبت به دعوت آنها به آن اجلاس به حساب یافتن نقش امپریالیستی آنان داشت. جمع بندیهای عجولانه و یک جانبه و حتا ارائه صرفا اقتصادی در رسیدن به استراتژی و تاکتیک مبارزه با حاکمان ارتجاعی سرمایه داری در مصاحبه ای همه جانبه رفیق استغن نیست که درجه وابستگی کشورهای نام برده به حساب آورده نشده است. در حالی که در جریان تاسیس ایکور تاکید شد با ایجاد مشورت و همکاری تشکلهای کمونیستی در اروپا، آسیا، آمریکای لاتین، زمینه مناسبی برای بررسی اوضاع در هر منطقه و شرکت در مبارزات مشترک طبقه کارگر و توده های مردم در کشورهای جهان سومی به دلیل مداخلات کشورهای سرمایه داری ارتجاعی در اطراف هر کشور برای سرکوب خیزشهای انقلابی و در توافق با امپریالیستها به وجود می آید و چه بهتر که حرکت همکاری متحدانه فشرده در درجه اول در سطح تشکلهای کمونیستی متحد در هر کشور و در سطح منطقه ای و نهایتا بین المللی باید صورت بگیرد تا تدریجا شرایط برای تشکیل انترناسیونال کمونیستی نیز فراهم گردد و به جای این بینش درست پیش بردن این امر، به اتحاد جبهه ای مانند تن داده شد و به تحلیل غلو آمیز از مبارزات بورژوائی و خرده بورژوائی در کشورهای هائی در جهان سوم بدون مشورتی این اهمیت در اروپا در عمیق با کمونیستهای هر قاره از جمله با کمونیستهای خاورمیانه ارزیابی به رابطه با رشد سرمایه داری در حدی اتخاذ می شود که می تواند به وحدت نظری کمونیستهای جهان صدمه برساند.

با تشکر از مسائلی که در این مصاحبه مطرح شده، نقد آنها برای جلب توجه به برخی واقعیتها تا حدی قابل بحث هستند. اما این نظرات در هماهنگی تئوریک و عملی با کمونیسم علمی نیست و به تفرقه کنونی احزاب کمونیستی در جهان به دلیل به کارگیری شیوه نادرست لطمه می زند

ک. ابراهیم 16 مهر 1395